

نگاه

نخست‌وزیری با یک چوب زیر بغل

گروه بین‌الملل: در استرالیا بعد از چند هفته بلاکنلیفی سیاسی که به دنبال انتخابات پارلمانی ۲۱ آگوست به وجود آمد و هیچ کدام از احزاب اصلی موفق به کسب اکثریت کرسی‌های لازم برای تشکیل دولت نشدند، با پیوستن دو نماینده مستقل به حزب کارگر، راه برای تشکیل دولت به رهبری «جولیا گیلارد» هموار شد. از آنجا که پارلمان استرالیا ۱۵۰ عضو دارد، هر یک از احزاب برای تشکیل دولت باید به حداقل ۷۶ کرسی دست یابد که به لحاظ اینکه حزب کارگر ۷۴ کرسی را کسب کرده بود هیچ راهی به غیر از جلب نظر نمایندگان مستقل پارلمان نداشت. ابتدا «باب کاتر» نماینده مستقل از ایالت «کوئینزلند» اعلام کرد به انتقال لیبرال و ملی گرا به رهبری «تونی ابوت» پیوسته است و به این ترتیب دو حزب اصلی در عدد ۷۴ کرسی برابر شدند. اما داستان آنجا تمام شد که چند ساعت بعد دو نماینده مستقل دیگر «راب اوکشات» و «تونی ویندزور» هر دو از ایالت «یوسلوت ولز» به صورت مشروط اعلام کردند با پیوستن به حزب کارگر از نخست‌وزیری گیلارد حمایت کرده و در پارلمان با حفظ استقلال رای خود به طور مشروط نسبت به لابیج و طرح‌های دولت کار گری موضع گیری خواهند کرد. با پیوستن این دو نماینده مستقل به حزب خاتم گیلارد، پست نخست‌وزیری وی تضمین شد و حزب کارگر نیز همچنان دولت را در دست خواهد داشت، البته با این تفاوت که همواره و بر سر هر بزنگاه باید جدا از برنامه‌های حزبی خود، خواست و تمایل شرکای ائتلافی را نیز مدنظر داشته باشد. این چنینش سیاسی جدید در این کشور از این پس فضای سیاسی استرالیا را از دولت باثبات و انحصار دوحزبی خارج می‌کند و وزن نمایندگان مستقل با گرایش‌های محلی را در دولت ملی افزایش خواهد داد. نقش تعیین‌کننده مستقل‌ها در دولت آینده با توجه به الزام وجود آنان برای تداوم دولت ائتلافی هرگز قابل نادیده گرفته شدن نیست. این وضعیت ثبات سیاسی و برنامه‌ریزی‌های کلان نهاد قدرت را دستخوش پارمترها و پارادوکس‌های دوگانه‌ای می‌کند که از قبل قابل پیش‌بینی نخواهد بود. از آنجا که این شرکای ائتلافی در چارچوب یک حزب مشخص با برنامه‌های از پیش تدوین‌شده قرار ندارند و به طور مستقل نسبت به مسائل پیش رو موضع گیری می‌کنند، این می‌تواند شکنندگی دولت آینده را همواره در معرض تهدید فروپاشی قرار دهد. موقعیت محلی دو نماینده مستقل پیوسته به حزب کارگر با توجه به رقابت و امتیازخواهی‌های محلی در تاریخ کوتاه موجودیت استرالیا به یقین ایالت نیوساوت ولز را در توزیع قدرت و امکانات ملی در موقعیت ویژه‌ای قرار می‌دهد که می‌تواند موجب برانگیختن حساسیت‌های مدنی و حقوقی در بافت سرزمینی این کشور قرار گیرد. در چنین شرایطی تصمیم‌گیری‌های قاطع و از قبل تدوین‌شده در قبال مسائل ملی و بین‌المللی نیز به میزان زیادی تنزل کرده و حاشیه‌های دولت ائتلافی نسبت به قبل تشدید و تصمیمات سیاسی تا حدودی در وضعیت تعدیل‌شده انجام می‌گیرد.

مشکلات پیش روی دولت ائتلافی را نخست‌وزیر و حزب کارگر به درستی درک کرده‌اند و به همین دلیل در چنین اعضای کابینه تا حدودی فراتر از خواست شخصی رهبران حزبی در مسیر یک مصالحه و آشتی درونی که قبل از انتخابات به شدت مخدوش شده بود، گام برداشته‌اند. معرفی «کوین راد» نخست‌وزیر سابق و رقیب حزبی خانم جولیا گیلارد برای تصدی پست وزارت امور خارجه این‌ن نکته را نشان می‌دهد که جناح‌های رقیب درون حزب کارگر این وضعیت شکننده را در تحولات اخیر درک کرده‌اند. در عرف دیپلماتیک در جوامع دموکراتیک کمتر مرسوم بوده است که ارشدترین مقام دولتی سابق، حاضر به پذیرش یک پست فروتر در زمان تصدی گری یکی از مدیران پیشین خود شده باشد. اینکه آقای راد بعد از معرفی خود برای سمت وزارت امور خارجه می‌گوید «به قبول این پست افتخار می‌کند چرا که منافع ملی بالاتر از منافع شخصی افراد است»، بازتاب همین واقعیت سخت و پیچیده است که سطح توقعات رقبان دیروز را به سطح سرنشینان یک کشتی در دریای توفانی تغییر داده است. این توافق پشت پرده می‌تواند وحدت درونی حزب کارگر را که در جریان تغییر رهبری و برکناری کوین راد از پست نخست‌وزیری آسیب جدی دیده بود تا حدود زیادی ترمیم کند. در واقع ترمیم وحدت درونی حزب، گام اول برای ثبات‌بخشی به دولت ائتلافی تلقی می‌شود که جدا از تاثیر درونی بر ارکان حزبی، می‌تواند چهره نخست‌وزیر مقتدر را حداقل در سطح جامعه و در بین دو نماینده مستقل و متحد حزب کارگر ترسیم کند. از طرف دیگر در وضعیت سیال سیاسی و تشکیل دولت‌های ائتلافی ورود شخصیت‌های ملی و برجسته‌تر قادر است حاشیه‌ها و موضوعات جنبی را تحت‌الشعاع قرار داده و وزن دولت را در برخورد با مشکلات اخیر رو، سنکین‌تر کند. با توجه به افول موقعیت خانم گیلارد به عنوان یک نخست‌وزیر مقتدر، چنین سیاسی فراحزبی حاکم بر دولت ائتلافی و حضور شخصیت‌های هموزن با نخست‌وزیر در ترکیب کابینه، به نظر می‌رسد دولت آتی استرالیا قاتم به شخص نخست‌وزیری نخواهد بود. تا اینکه‌ای کار حداقل در درون حزب کارگر تمهیدات سیاسی برای یکپارچگی حزبی به درستی رعایت شده است و امید چندانی برای حزب رقیب جهت امید بستن به بسط اختلافات اخیر در حزب حاکم وجود نخواهد داشت. موضوعی که از این پس در سطح رهبری حزب کارگر برای حفظ دولت کارگری وجود دارد چگونگی برخورد و تعامل با دو نماینده مستقل است که ضامن وجودی ائتلاف حاکم هستند. با توجه به نقش منحصر به فردی که دو نماینده مستقل در تشکیل این دولت ائتلافی ایفا کرده‌اند و موقعیت محلی خود را به یک موقعیت ملی ارتقا داده‌اند، حداقل در کوتاه‌مدت تعامل جمعی فراحزبی در ساخت قدرت استرالیا حفظ خواهد شد.

فرانسه بازرس ژاور، فرانسه ژان والثران

تبعات اخراج کولی‌ها برای فرانسه

اخراج کولی‌های بلغار و رومانی تبار از فرانسه که به بهانه مبارزه با جرائم اجتماعی و نقض قانون مهاجرت انجام شد، نشست سران اتحادیه اروپا در بروکسل پایتخت بلژیک را با چالش‌های جدی مواجه کرد. اخراج کولی‌ها از کمپ‌های آوارگان در حومه شهرهای فرانسوی در راستای سیاست‌های مهاجرستیزی راستگرایان و دولت «نیکلا سارکوزی» رئیس‌جمهوری این کشور بوده است که برای سرپوش گذاشتن بر بی‌اعتباری فزاینده و شکست برنامه‌های سیاسی- اجتماعی خود صورت می‌گیرد. در حالی که جایگاه و موقعیت سسارکوزی و دولت راست میانه وی به شدت در حال افول است، گفته می‌شود این اقدام حمایت نیمی از مردم فرانسه را به همراه داشته است.

دقیقاً تمام داستان و پاسخ به معمای اخراج کولی‌ها در همین موضوع نهفته است و این دیگر به یک رویه مرسوم برای راستگرایان در سراسر جهان تبدیل شده است که مهاجرستیزی بر برگ برنده‌ای است که همیشه می‌تواند بخش خاکستری جمعیت بومی را به نفع آنان بسیج کند. این اقدام دولت فرانسه در اتحادیه اروپا آن‌چنان خشم نهادهای قانونی، فعالان سیاسی و محافل حقوق بشری را برانگیخت و برخلاف موازین قانونی این نهاد منطقه‌ای بوده است که حتی صدای اعتراض دولت‌های راستگرای حاکم در دیگر کشورهای اتحادیه را هم درآورد. سارکوزی برای جبران اعتبار از دست‌رفته خود و کسب رای در بین مردم فرانسه با اخراج کولی‌های بلغار و رومانیایی‌تبار، چهره سنتی فرانسه را به عنوان مهد آزادی و حقوق بشر به بدترین وجه ممکن در افکار عمومی ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی مخدوش کرد. فرانسه‌ای که جهانیان در هیبت درک بی‌نوابی دیگران از «ژان والثران»، مقاومت در مقابل زور گویی و اعمال فاشیستی از «ژان ژورس» و انترناسیونال فداکاری و حقوق برابر انسان از «جان شیفته» می‌شناختند، این بار در پازل سارکوزی با قطعاتی از «بازرس ژاور»، «مارشال پتن» و قاضی دادگاه «دریفوس» جمع شده است.

این جابه‌جایی تاسف‌بار بین «آن» و «این» در فرانسه کنونی نه‌تنها برای بسیاری پذیرفتنی و درک آن آسان نیست که بدون شک نقض ابتدایی‌ترین اصول اعلامیه حقوق بشر و کنوانسیون‌های حقوقی اتحادیه اروپا نیز تلقی می‌شود. در چنین شرایطی کسب وجهه و اعتبار در عرصه ملی از سوی راستگرایان حاکم بر پاریس یک اعتبار کاذب در منطقه آلوده «بربریت محافظه‌کاری» به حساب می‌آید که در موقعیت کنونی بر اساس موازین حقوقی، تبعات ناخوشایندی در عرصه ملی، منطقه‌ای و بین‌المللی برای فرانسه به همراه خواهد داشت.

۱- حوزه ملی: بعد از برگزاری انتخابات محلی و شوراهای شهر در سال گذشته که به واسطه شکست سیاست‌های محافظه‌کارانه دولت فرانسه موجب پیروزی جناح چپ شد، بیشتر نظرسنجی‌ها نشان داد که موقعیت نیکلا سارکوزی و دولت وی به زیر ۳۰ درصد تنزل کرده است. روز سه‌شنبه هفتم سپتامبر ۲۰۱۰ در اعتراض به سیاست‌های ریاضت اقتصادی و قانون جدید

«زمانی که کشوری با بحران سیاسی روبه‌رو می‌شود، نمی‌توان گفت هیچ بهایی را برای آن نمی‌بردارد. کشورها در برخی مواقع حتی بهای بسیار سنگینی را برای بحران سیاسی مانند نابودی اقتصاد، امنیت و نظم عمومی و تنزل در همبستگی اجتماعی پرداخت خواهند کرد.» روزنامه الحیات در تحلیلی به قلم «حمید الکفانی» نویسنده عراقی، تحت عنوان «بحران سیاسی در عراق دموکراسی را متزلزل می‌کند»، نوشته است: «بحران سیاسی که در حال حاضر عراق با آن روبه‌رو است، موجب بی‌اعتمادی به نظام دموکراتیک و کاهش فرصت‌های برقراری ثبات و پیشرفت شده که بسیاری از عراقی‌ها به آن چشم دوخته بودند. بحران سیاسی عراق حتی به وجهه سیاستمداران عراقی به ویژه کسانی که بر سر قدرت به رقابت پرداخته‌اند ضربه زد. این بحران نشان داد طایفه‌گرایی از این کشور رخت برنیسته است. مشکل بزرگ‌تر بحران سیاسی عراق در تأثیرات منفی طولانی‌مدت آن بر همبستگی ملی، اوضاع اقتصادی، فرهنگی و تأثیرات آن بر آینده کشور نهفته است. در بسیاری از مواقع بحران‌های سیاسی به کودتا منجر شده است. کسی که تصور می‌کند عصر کودتا پایان یافته، سخت در اشتباه است. بسیاری از کشورهای باثبات در طول تاریخ بوده‌اند که به علت بحران سیاسی، نظام دموکراتیک آن کشورها با شکست روبه‌رو شده است. نظیر این کشورها ترکیه است که ارتش ناگزیر به دست گرفتن قدرت به علت شکست سیاستمداران در اداره کشور برای چندین بار شده است. تحولاتی مشابه آن در یونان، آرژانتین، فیلیپین، نیجریه، برتغال، اسپانیا و پاکستان رخ داد. عراق را نیز نباید فراموش کنیم که از نظام دموکراتیک ۳۷ ساله برخوردار بود که به علت درگیری بر سر قدرت، ارتش در ۱۴ ژوئیه ۱۹۵۸ قدرت را به دست گرفت. در حال حاضر نیز بحران سیاسی عراق درهایی را به سوی پیچیدگی، ابهام و بی‌ثباتی باز کرده است که از آن جمله می‌توان به کودتاهای مسلحانه، افزایش فعالیت شبه‌نظامیان، اختلافات طایفه‌ای و نژادی اشاره کرد که تمام این مسائل در سایه نبود ضامن قوی برای ادامه روند دموکراسی است. معرفی نامزدیمی متعدد برای تصدی پست نخست‌وزیری هیچ کمکی به حل بحران سیاسی عراق نمی‌کند. اینکه فهرست‌های کوچک نامزدهایی را برای تصدی پست نخست‌وزیری

این حد سخت باشد. افزایش سن بازنشستگی از ۶۰ سال به ۶۲ سال گفته می‌شود بیش از ۲/۵ میلیون نفر در سراسر فرانسه به خیابان آمدند. همچنین طبق نظرسنجی‌ها در خصوص این اعتراضات و تظاهرات از هر چهار نفر، سه نفر نظر مثبت و حمایت‌گرایانه‌ای نسبت به آن ابراز کرده بودند. اتحادیه‌ها و سندیکاهای کارگری- کارمندی همچنین اعلام کرده‌اند در هفته‌های آتی نیز موج جدیدی از اعتصاب و تظاهرات را در مخالفت با سیاست‌های دولت «فرانسوا فیون» نخست‌وزیر کشور به راه خواهند انداخت. این جنبش قدرتمند مخالفت مدنی با سارکوزی، دولت وی را به شدت در تنگنا قرار داده و هراس از ایجاد یک سونامی انتخاباتی و نافرمانی مدنی، رئیس‌جمهوری را به تقلا جهت کسب وجهه به هر طریقی سوق داده است. اخراج مهاجران به اصطلاح غیرقانونی و سیاست

جهان

تبعات اخراج کولی‌ها برای فرانسه

فرانسه بازرس ژاور، فرانسه ژان والثران

اردشیر زارعی‌قناتی



مهاجرستیزی با توجه به رشد نرخ بیکاری، رشد بهزکری‌های اجتماعی و تهدید امنیت شغلی همیشه به عنوان یک برگ برنده در دست محافظه‌کاران به کار گرفته شده است.

اخراج کولی‌ها از فرانسه بدون تردید در راستای ایجاد یک موج کاذب ملی‌گرایسی و ایجاد فرست‌های جدید شغلی برای بیکاران بومی اعمال شده و حمایت ۵۰ درصدی افکار عمومی ناراضی فرانسه از این اقدام نشان‌دهنده این واقعیت است.

۲- حوزه منطقه‌ای: فرانسه به عنوان عضوی از اتحادیه اروپایی تابع قوانین و کنوانسیون‌های منعقدشده در این محیط ژئوپولیتیک است. از زمانی که قانون «شینکن» تصویب شد و اتباع عضو اتحادیه برای سفر و اقامت موقت در ورای مرزهای ملی خود در اتحادیه

سده‌شبه ۳۰ شهریور ۱۳۸۹

گزارش

توصیه اسرائیل به زمامداران سوریه

گروه بین‌الملل: همزمان با برگزاری مذاکرات مستقیم صلح بین طرف‌های فلسطینی و اسرائیلی، امریکا در یک اقدام تازه دست به ابتکار جدیدی زد و فرستاده ویژه خود را به دمشق و بیروت فرستاد. جرج میچل در دو کشور سوریه و لبنان این پیام را به گوش زمامداران این کشورها رساند که روند صلح بدون حضور آن دو پیشرفتی نخواهد داشت و از همین رو امریکا برای آنها نیز کارت دعوتی را در نظر گرفته است. پیام میچل به لبنان این بود که امریکا به بهبود روابط خود با لبنان ادامه می‌دهد و همچنان به تقویت ارتش این کشور همت خواهد گمارد. اما پیام میچل به سوریه روشن نبود تا اینکه رفته رفته رسانه‌ها این راز را برملا کردند و گفتند میچل در سفر خود به سوریه طرح جدیدی از سوی اسرائیل را به مقامات دمشق تحویل داده است.

به نوشته روزنامه عربستانی «عکاظ» به نقل از منابع رژیم صهیونیستی، بشار اسد رئیس‌جمهور سوریه طرح اسرائیل را از طریق جرج میچل که اخیراً به دمشق سفر کرده بود دریافت کرد. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل در جریان دیدارش در ششم ماه ژوئیه در واشنگتن طرحی را به باراک اوباما رئیس‌جمهور امریکا ارائه کرد که هیچ یک از اداره‌های سیاسی اسرائیل و اعضای کابینه امنیتی و سیاسی در تل‌آویو از آن اطلاع نداشتند. گفته می‌شود تنها کسی که از این طرح محرمانه اطلاع داشت ایهود باراک وزیر جنگ اسرائیل بود. در این طرح پیشنهاد شده بود اسد مانند سادات بپذیرد که در ازای عقب‌نشینی اسرائیل از جولان روابط کشورش را با این رژیم عادی سازد.

سایت «بکا» وابسته به رژیم صهیونیستی اعلام کرد جرج میچل فرستاده ویژه امریکا در خاورمیانه اخیراً به بشار اسد طرح نتانیاهو را در زمینه عقب‌نشینی از بلندی‌های جولان ارائه کرده است.

وی تلاش کرد اسد را در خصوص امکان احیای مذاکرات میان دمشق و تل‌آویو مشروط بر اینکه اسد سیاست انور سادات رئیس‌جمهور اسبق مصر را دنبال کند قانع سازد. انور سادات در نوامبر سال ۱۹۷۷ تصمیم گرفت به تل‌آویو سفر کند و بعد از آن در سال ۱۹۷۹ توافقنامه صلح با اسرائیل را در مقابل عقب‌نشینی کامل اسرائیل از شبه‌جزیره «سینا» امضا کرد. بر اساس طرح نتانیاهو شرط دیگر این رژیم در صورت ارائه نقشه‌های مناطقی که باید از آن عقب‌نشینی کند آن است که در صورت ازسرگیری مذاکرات صلح میان دمشق و تل‌آویو، اسد باید به ائتلاف مسیوب و نظامی‌اش پایان دهد.

به موجب طرح نتانیاهو ارتش این رژیم از بلندی‌های جولان تا خط معروف (خط تپه‌ها)



عقب‌نشینی خواهد کرد. از نظر سیاسی اسرائیل از بلندی‌های جولان به طور کامل و از اکثر شهرک‌های بلندی‌های جولان خارج خواهد شد. اما از نظر نظامی اسرائیل تا این «خط تپه‌ها» عقب‌نشینی خواهد کرد که یک راه‌حل تاکتیکی در دست اسرائیل خواهد بود چرا که می‌تواند در صورت فروپاشی راه‌حل‌های سیاسی و نظامی میان دو طرف بلافاصله با سرعت مجدداً بلندی‌های جولان را تحت سیطره نظامی خود قرار دهد.

پاسخ سوریه به این طرح روشن بود. دمشق این طرح را نپذیرفت اما به ادامه مذاکرات صلح بین کشورش با اسرائیل تمایل نشان داد. این مذاکرات تاکنون چندین بار شروع و به لایلی قطع شده است. آخرین دور این مذاکرات به میزبانی ترکیه در آنکارا برگزار شد که با وقوع جنگ غزه به پایان رسید. سوریه بر ادامه مذاکرات تأکید می‌کند و اسرائیل بر آغاز دوباره و بدون پیش‌شرط این مذاکرات. به نظر می‌رسد این بار امریکا تمایل دارد روابط سوریه و اسرائیل را مدیریت کند، بنابراین تمایل دارد این مذاکرات زیر نظر واشنگتن و در چارچوب کلی مذاکرات صلح از سر گرفته شود. روشن نیست که سوریه به پیشنهاد چه پاسخی داده باشد.

مخالفت با ارسال هواپیما جدید

روابط سوریه و اسرائیل طی روزهای اخیر در گیر یک بحران دیگر نیز بود. این بحران با تمایل روسیه برای فروش موشک‌های جدید به سوریه شروع شد و همچنان ادامه دارد. بنیامین نتانیاهو نخست‌وزیر اسرائیل می‌گوید قرارداد فروش موشک‌های دریایی ضدناو روسیه به سوریه معضلی واقعی برای اسرائیل شده است. وی قرارداد خرید جنگنده‌های اف-۳۵ را یکی از راهکارهای این واکنش نظامی عنوان کرد. نتانیاهو افزود، ما مدت‌هاست که از این قرارداد آگاهی داریم و با روس‌ها در همه سطوح گفت‌وگو کردیم، ولی وقتی وارد مراحل اجرایی شد واقعاً متأسف شدیم، ما در برابر تهدیدات جدید موشکی قرار داریم که واکنش نظامی را می‌طلبد. روزنامه هآرتس نوشت: نتانیاهو ماه آگوست گذشته از همتای روسی خود خواستار توقف این قرارداد شده بود، زیرا وی معتقد است این موشک‌ها تهدید بسیار جدی علیه فعالیت کشتی‌های نیروی دریایی اسرائیل در آب‌های مدیترانه می‌شود. سوریه سال ۲۰۰۷ قراردادی را برای خرید موشک‌های کروز مافوق صوت «پی-۸۰۰» یا «خونت» از روسیه به امضا رساند.